



A Critical Analysis of the Methodology of Religious Studies among Contemporary Iranian Intellectuals (Focusing on Mostafa Malekian)

Dr. Seyyed Vahid Kashani

Assistant Professor, Islamic Philosophy of Transcendent Wisdom, Al-Mustafa International University.

Email: kashani.istes@gmail.com

Abstract

Religion is a multifaceted and multi-layered phenomenon that necessitates diverse methodological approaches in its study, each of which directly influences the outcomes of research. Among contemporary Iranian intellectuals whose reflections on religion and religious studies have received considerable attention is Mostafa Malekian. This article first examines Malekian's perspective on the nature of religion and religious inquiry, and then critically analyzes his methodological approach to the study of religion. Employing a descriptive-analytical method, the study draws upon Malekian's primary writings, articles, and lectures. Malekian adopts an integrated methodology in his approach to religious studies, comprising four principal methodological elements: the rational method, the functional or pragmatic method, the reductionist method, and the procedural method. Despite certain achievements of his approach in specific areas of religious studies, it suffers from several weaknesses—most notably, the attenuation of religion's spiritual dimension, the ineffectiveness of the reductionist element within the integrated method, the tendency toward the pragmatic reduction of religion, and the absence of clear evaluative criteria in the procedural method.

Keywords: Mostafa Malekian; Study of Religion; Reductionist Method; Rational Method; Pragmatic Method; Procedural Method.





HomePage: https://jphilosophy.um.ac.ir/	سال 57 - شماره 2 - شماره پیاپی 115 - پاییز و زمستان 1404، ص 97 - 120
شاپا الکترونیکی 2538-4171	شاپا چاپی 2008-9112
تاریخ پذیرش: 1404/02/07	تاریخ بازنگری: 1404/01/19
DOI: 10.22067/epk.2025.90366.1377	تاریخ دریافت: 1403/07/29
	نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل انتقادی روش‌شناسی دین‌پژوهی روشنفکران معاصر ایران

(با تکیه بر مصطفی ملکیان)

سید وحید کاشانی

استادیار جامعه المصطفی العالمیه، استادیار دکتری جامعه المصطفی العالمیه، فلسفه اسلامی حکمت متعالیه

kashani.istes@gmail.com

چکیده

دین، پدیده‌ای چندوجهی و ذومراتب است که باعث می‌گردد هر دین‌پژوه و دین‌شناسی، در مواجهه با این پدیده، از روش‌های مختلفی که تأثیر مستقیم بر نتایج پژوهش دارند، بهره‌گیرد. از جمله اندیشمندان روش‌فکر معاصر که امروزه مباحث دین‌شناسی او، مورد توجه به‌سزایی قرار گرفته است، مصطفی ملکیان است. در این مقاله، ابتدا نگرش ملکیان در چستی دین و دین‌پژوهی مورد بررسی قرار گرفته و سپس روش‌های وی در مواجهه با تحقیقات دینی، تحلیل شده است. مقاله حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع، مقالات، سخنرانی‌ها و کتب مصطفی ملکیان، نگاشته شده است. ملکیان، دارای روشی ترکیبی در دین‌پژوهی است که حاوی چهار عنصر روشی اصلی است. این عناصر، عبارتند از: روش عقلانی، روش کارکردی یا کاربردی، روش تحویلی و روش فرایندی. علی‌رغم موفقیت این شخصیت در قسمت‌هایی از دین‌پژوهی، اشکالاتی از قبیل کاهش بار معنوی دین، ناکارآمدی عنصر تحویل در روش ترکیبی، تقلیل دین در روش کاربردی و نبود ملاک در روش فرایندی دارد.

واژگان کلیدی: مصطفی ملکیان، دین‌شناسی، روش تحویلی، عقلانی، کاربردی، فرایندی.

مقدمه

دین به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی انسان، همواره از زوایا و جوانب گوناگونی، مورد توجه دین-داران، اندیشمندان و محققان بوده است. علی‌رغم اینکه تحقیق در دین، پیشینه‌ای دیرینه داشته و از بدو ظهور دین، همراه آن بوده است؛ در اعصار اخیر، به دلیل تحولات فکری و معرفتی، این مسئله، ابعاد نوینی به خود گرفته و ذیل عنوان دین‌پژوهی، نمایان می‌شود. در واقع، مجموع دانش و معارفی که دین، به عنوان موضوع مطالعه آنها قلمداد شود، دین‌پژوهی نام داشته و بر اساس ابعاد مختلفی که ادیان، از آن برخوردار هستند، روش‌ها، رشته‌ها و شاخه‌های متفاوتی می‌یابد.¹

در کنار اینکه برخی از اندیشمندان معاصر، دین‌پژوهی را بیشتر دارای جنبه‌ی علمی و دانشگاهی دانسته‌اند،² برخی دیگر، با استناد به افزایش توجه به این رشته در میان عموم مردم، جنبه‌هایی فراتر از این را برای دین‌پژوهی، قائل شده‌اند.³ همچنین در مقابل تفکری که دین‌پژوهی را زاده‌ی مبانی مدرن غرب می‌داند،⁴ تفکراتی مبنی بر قدمت این رشته و همسان بودن آن با پیدایش ادیان، وجود دارد.⁵ در هر صورت، امروزه، رشته‌ای تحت عنوان دین‌پژوهی وجود دارد که متفکران و اندیشمندان معاصر و مدرن، مشغول مباحث آن هستند.

در ایران معاصر، یکی از جریان‌های فکری که به صورت گسترده، مشغول مباحث دین‌پژوهانه است، جریان روشن‌فکری است. اگر چه زایش این جریان، ایده و ارمغان عصر روشنگری غرب بود؛ اما به دلیل فراهم شدن بسترها و شرایط مناسب فرهنگی و اجتماعی در ایران،⁶ امروزه به عنوان جریانی پرنفوذ مشغول فعالیت بوده و دیدگاه‌های مهمی را ارائه می‌کند. از آنجا که امکان بررسی تمامی نظرات شخصیت‌های روشن‌فکر در ذیل یک متن علمی وجود ندارد؛ لذا در این مقاله به دیدگاه‌های مصطفی ملکیان که فیلسوف معاصر، استاد دانشگاه و چهره‌ای سرشناس در حوزه دین، اخلاق و فرهنگ می‌باشد، پرداخته شده است.

هدف از نگارش مقاله، بررسی آرای دین‌پژوهانه این شخصیت نبوده؛ بلکه آنچه مسئله اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد، تحلیل انتقادی روش‌شناسی دین‌پژوهی ملکیان است. دین، به لحاظ سنخ موضوع و مسائل، دارای تعدد و تنوع بوده و این مسائل از جهت اعتبار و ارزش، در یک سطح نیستند. به همین دلیل

1. پترسون، مایکل و جمعی دیگر، عقل و اعتقاد دینی، 2-22؛ الیاده، دین‌پژوهی، 1/ 91-92.

2. Kathryn Lofton, *Religion History as Religion Studies, Religion*, 383.

3. Gregory D. Alles, *Religious Studies a Global View*, 2.

4. الیاده، دین‌پژوهی، 1/ 81.

5. جوادی آملی، دین‌شناسی، 20.

6. مریجی، بازشناسی جریان‌های روشن‌فکری در ایران، علوم سیاسی، 47.

نیز درک این گزاره‌ها، روش‌های فکری متنوع و متکثری را می‌طلبد.^۱ روش‌شناسی بسیار مهم است؛ زیرا یک روش غیرقابل اعتماد، نتایج غیرقابل اعتمادی را تولید می‌کند و در نتیجه ارزش تجزیه و تحلیل محققان از یافته‌ها، تضعیف می‌گردد.^۲ برخی از روش‌ها کارآمدی بیشتری نسبت به سایر روش‌های دین‌پژوهی دارند. روش دین‌پژوهی مصطفی ملکیان، از جمله روش‌هایی است که در دوره معاصر ایران، مورد پذیرش بسیاری از متفکران و محققان قرار گرفته است. از این‌رو، در مقاله حاضر، پس از روشن شدن دین از منظر مصطفی ملکیان، به بررسی و تحلیل انتقادی روش‌شناسی این شخصیت در حوزه دین‌پژوهی، پرداخته خواهد شد.

در خصوص پیشینه، پس از بررسی کتب، مقالات و آثار علمی در مورد روش‌شناسی دین‌پژوهی ملکیان، مطلبی علمی در خصوص این موضوع یافت نشد و نزدیک‌ترین مقاله موجود به این موضوع «دین-پژوهی مصطفی ملکیان، بررسی و نقد» اثر علی رحیمی و علی حقی است که در ذیل مقاله، به صورت ضمنی به روش ملکیان، اشاره داشته است. از این‌رو، بر آن شدیم تا در این متن علمی، به بررسی روش-شناسی ملکیان در حوزه دین‌پژوهی بپردازیم که البته صرفاً به تحلیل یا بررسی اکتفا نکرده؛ بلکه نگرشی انتقادی به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اصلی، پی گرفته خواهد شد.

دین از منظر مصطفی ملکیان

پیش از ورود به بحث دین‌پژوهی و روش‌شناسی آن، ابتدا لازم است مفهوم دین از منظر مصطفی ملکیان، روشن شود. وی معتقد است تعاریف ارائه شده از دین، همواره با مشکلاتی از قبیل جامع افراد و مانع اغیار نبودن و همچنین بیش از اندازه خوش‌بینانه یا بدبینانه بودن، مواجه هستند. از سوی دیگر، تعاریف دین، با موضوعاتی همچون معنویت، اخلاقی زیستن، عرفانی‌نگری، تعبد، ایمان، خرافه‌پرستی، بت‌پرستی و خشکه مقدسی در هم تنیده است.^۳

برای عبور از این مشکلات و موانع و همچنین روشن شدن ماهیت دقیق دین، ملکیان دین را با استفاده از نگرشی واقع‌بینانه به سه طبقه، تقسیم می‌نماید. چه در دین اسلام، و چه در سایر ادیان، این تقسیم‌بندی برای روشن شدن ماهیت آن دین، لازم است. دین به معنای اول، دینی است که در آن، پیروان آن دین، سخن شخص یا اشخاص تاریخی را بدون چون و چرا پذیرفته و قبول دارند. از آنجا که امروزه به این شخصیت-های تاریخی دسترسی نداریم، تنها چیزی که بشر امروزی را با آن اشخاص مرتبط می‌کند، سخنانی است

1. ابراهیم‌زاده، دین‌پژوهی، 15.

2 Armin W. Geertz, *Method and Theory in the Study of Religion Introduction, Religion and Society*, 169-172.

3. ملکیان، شجاعی‌زند، «سنجه‌های دین و دین‌داری»، 32-33.

که به صورت مکتوب درآمده و در هر دینی، تحت عنوان کتب مقدس، وجود دارد. در اسلام، این دین، همان قرآن و کتب حدیثی معتبر است. بنابراین وقتی گفته می‌شود دین، به معنای اول، منظور این منابع مکتوب است.

از آنجا که این منابع، برای مسلمانان، وضوح کافی و لازم را نداشته، در طول تاریخ، به شرح و تفسیر نیاز پیدا کرده است. از این رو، برخی از متکلمان، فلاسفه، علما، عرفا و اندیشمندان دینی به شرح، تفسیر و تدوین این منبع اولیه یا دین اولیه پرداختند. بنابراین اسلام به معنای دوم، مجموعه‌ای از شروح، تفاسیر و تبیین‌هایی است که توسط علمای دینی صورت پذیرفت. اما دین به معنای سوم، پدیده‌ای است که در طول تاریخ و زندگی عملی انسان‌ها حضور داشته و صورت خارجی و واقعی دین است. بنابراین نمود یا ماهیت سوم دین یعنی مجموعه افعالی که پیروان دین در طول تاریخ انجام داده‌اند؛ به اضافه مجموعه آثار و نتایجی که از رفتار و عمل پیروان ظهور پیدا کرده است.¹

از منظر ملکیان، دین به معنای اول، تنها دینی است که هر مسلمانی، باید آن را پذیرفته و بدان عمل کند. از یک مسلمان انتظار می‌رود تنها از این دین دفاع کرده و نیازی نیست سایر نمودهای دین را قبول نماید. علی‌رغم اینکه این سه دین، ناظر به یکدیگر است، اما عین هم نیست و با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارد. لذا از منظر ملکیان، دینی که باید پذیرفته شود، مجموعه کتب مقدسی است که دین شماره یک را تشکیل می‌دهند.

در نهایت، ملکیان، تعریفی کارکردی² از دین ارائه می‌دهد. به اعتقاد وی، دین پدیده‌ای انسانی است که باید مخاطب آن، یعنی انسان، در تعریف، مدنظر باشد. انسان، دارای محدودیت طبیعی است که یکی از جنبه‌های لاینفک طبیعت آدمی است. او قدرت مهار بعضی از اوضاع منفی را ندارد که این مسئله نیز عامل احساسات ناخواسته منفی از قبیل ترس، تنهایی، افسردگی و کشمکش با خود است. انسان غرق در چنین ضعف و عجزی، برای تحمل آن، به دنبال معنایی برای زندگی خود می‌گردد. در واقع، آغاز احساس محدودیت‌ها، فقدان‌ها و کمبودها با پیدایش و اقبال به دین، مقارن است.³ ملکیان برای تثبیت ادعای خود، به آیه «فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»⁴ اشاره می‌کند و معتقد است این آیه، دقیقاً به همین مطلب توجه داشته است.

1. ملکیان، «اصلاح‌گری در دین به چه معناست؟»، 15-16.

2. Functional.

3. ملکیان، «گفت و گو دین و دین‌داری در جهان معاصر»، 7-8.

4. عنکبوت: 65.

چیستی دین پژوهی از منظر ملکیان

دین پژوهی، از منظر ملکیان، امری فراتر از یک رشته آکادمیک و دانشگاهی بوده و مبحثی گسترده‌تر است؛ زیرا از منظر او، دین‌داری به دو صورت، رخ می‌دهد: دین‌داری سنتی که عبارت است از تعبد یا التزام همه‌جانبه به متون مقدس دینی و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی و وجودشناختی و لوازم آن گزاره‌ها،^۱ و دین‌داری سنجش‌گرایانه که در مقابل دین‌داری سنتی قرار داشته و در آن آموزه‌های دینی سنجیده و فقط در صورت درستی و صحت، پذیرفته می‌شوند.^۲ بنابراین یک آموزه و گزاره دینی، برای پذیرش از سوی دین‌داران، باید از فیلتر سنجش عبور کند و این فرایند، تحت عنوان دین‌پژوهی، صورت می‌گیرد. از این رو، دین‌پژوهی، اهمیت بسیاری می‌یابد.

از منظر ملکیان، همانطور که دین‌پژوهی از دو بخش دین و پژوهش تشکیل شده است، اگر یک دانش علمی، در خصوص دین نباشد و یا اینکه حالتی پژوهشی نداشته باشد، ذیل عنوان دین‌پژوهی قرار نمی‌گیرد. مثلاً برخی شاخه‌های دین مانند فقه، الاهیات و کلام، علی‌رغم اینکه دینی هستند، به دلیل نگرش درونی و تعبدی، جنبه پژوهشی نداشته و ذیل عنوان دین‌پژوهی قرار نمی‌گیرند.^۳ بنابراین هنگامی که یک علم، هم دینی بوده و هم پژوهشی باشد، می‌توان آن را دین‌پژوهی نامید.

ملکیان در دین‌پژوهی مد نظر خود، دین را به آنچه درون انسان قرار دارد و آنچه بیرون او است، تقسیم می‌کند و بر این اساس، مشغول پژوهش در دین می‌شود. وی بر اساس الگویی انسان‌شناسانه، دین را به دو جنبه فرهنگی و تمدنی تقسیم می‌کند. زمانی که به فرد دین‌دار و آنچه درون فرد دین‌دار می‌گذرد، توجه شود، جنبه فرهنگی دین پدیدار می‌گردد و زمانی که به بیرون، یعنی به آنچه در ظرف جامعه‌ای که تک‌تک افراد آن دین‌دار هستند توجه می‌شود، جنبه تمدنی مد نظر است. در این صورت، جنبه درونی و باطنی همان فرهنگ بوده و جنبه بیرونی و ظاهری، تمدن است. از این رو، به طور نمونه، مسجد شیخ لطف‌الله، به تمدن اسلامی ربط پیدا می‌کند که نیازمند تحقیق و پژوهش است.^۴ بنابراین، منظور ملکیان از دین‌پژوهی، تحقیق و پژوهشی فراتر از گزاره‌های دینی بوده و شامل تمدن و ظهورات بیرونی دین نیز است.

مولفه‌های روشی در دین‌پژوهی مصطفی ملکیان

پیش از ورود به مبحث روش دین‌پژوهی مصطفی ملکیان، باید بدین نکته توجه داشت که در بسیاری

1. ملکیان، در رهگذار باد و نگهبان لاله، 89/1.

2. ملکیان، راهی به راهی، 277.

3. ملکیان، «نگاهی دوباره به دین‌پژوهی»، 10-11.

4. ملکیان، «نگاهی دوباره به دین‌پژوهی»، 391-392.

از پژوهش‌های موجود در این حوزه، تفاوتی میان رویکرد و روش قرار داده نشده است. این مقاله، به روش دین‌پژوهی می‌پردازد، نه به رویکرد ملکیان در دین‌شناسی. رویکرد، یک مسیر کلی برای تفکر در مورد مسئله یا مشکلی است، درحالی‌که روش، روند و رویه‌ای است که برای عملی کردن، سازماندهی و کاربرد آن رویکرد، استفاده می‌شود. رویکرد، عمدتاً حالتی انتزاعی و مفهومی‌تری دارد، حال آنکه روش، دقیق‌تر و خاص‌تر است.¹ ازاین‌رو، باید به مرز دقیق و حساس میان روش و رویکرد دقت نمود.

نکته دیگری که باید بدان توجه شود این است که دین‌پژوهی، با دو هدف صورت می‌پذیرد: یکی به لحاظ هویت معرفتی و دفاعی و دیگری به لحاظ تفهیم و تفهم گزاره‌های دینی. ملکیان، به دنبال دفاع از یک گزاره دینی نبوده؛ بلکه هدف او از دین‌پژوهی، عمدتاً فهم صحیح و کاربردی یک گزاره است. اگر دین-پژوهی ملکیان، برای دفاع از گزاره‌های دینی بود، قطعاً باید ذیل یکی از روش‌های توصیفی، تحلیلی، نقدی، یا استدلالی قرار می‌گرفت و باید از عقل و برهان، تجربه، نقل و شهود استفاده می‌نمود.² از آنجا که وی به دنبال فهم و کاربردی‌سازی دین می‌باشد، روش‌های ذکر شده، منظور و مطلوب این مقاله از روش دین‌پژوهی نیست.

از آنجا که دین، مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که هم از منظر موضوع و مسئله، متعدد و متکثر بوده و هم از جهت اعتبار، در یک سطح نیست؛ لذا پژوهش در دین و گزاره‌های آن، روش‌های متنوعی را می‌طلبد.³ ملکیان نیز همچون سایر دین‌پژوهان، ممکن است از روش‌های متنوعی استفاده کرده باشد. از آنجا که خود این شخص، صراحتاً در هر بحثی بر روشی که از آن بهره‌برده، تأکید نداشته است؛ لذا ابتدا باید روشن شود که از چه روش‌هایی استفاده نکرده است تا مجموعه‌ی روش‌های مستفاد، محدود گردد.

ابتدایی‌ترین روش در دین‌پژوهی با حصر عقلی، روش درون‌دینی و برون‌دینی است. استفاده‌کنندگان از روش درون‌دینی، کسانی هستند که بر اساس قرآن و سنت، به دنبال اثبات یا رد یک گزاره دینی هستند. درمقابل، منظور از دین‌پژوهی برون‌دینی، استفاده از عقل و فلسفه در تفهیم گزاره‌های دینی است. به بیان ملکیان، اگر ملاک روش درون‌دینی، تعبد بی‌چون و چرا نسبت به متن (قرآن و سنت) باشد، دیگر پژوهش و تحقیقی در کار نبوده و نمی‌توان روش درون‌دینی را یک روش دین‌پژوهی دانست؛ زیرا هدف دین‌پژوهی، شناخت است و جزم، جمود و پیش‌داوری، مزاحم شناخت است. ازاین‌رو، نگرش بیرونی، یعنی نگاهی عقلانی منهای جمود، پیش‌داوری و جزم، شناخت بهتر و کامل‌تری نسبت به دین خواهد داد.⁴ بنابراین،

1. Harshita Jain, *Difference Between Approach and Method*, 2023.

2. خسرویناه، مهدوی پارسا، «روش‌شناسی دین‌پژوهی»، 147.

3. ابراهیم‌زاده، دین‌پژوهی، 15.

4. ملکیان، «نگاهی دوباره به دین‌پژوهی»، 11.

اولین روش، یعنی روش درون‌دینی، از میان روش‌های مصطفی‌ملکیان، برداشته شد.

از سوی دیگر، به دلیل توجه ملکیان به مسائل اجتماعی و روانی انسان، ممکن است روش وی به صورت جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی تلقی گردد. ملکیان معتقد است جامعه‌شناسی همان روان‌شناسی اجتماعی است؛ لذا می‌توان گفت که این دو حوزه، در واقع نشان‌دهنده دو بعد فردی و اجتماعی از روان آدمی است. نکته‌ای که باید بدان توجه شود این است که روان آدمی، چه به لحاظ فردی و چه اجتماعی، نتیجه تأثیراتی است که می‌پذیرد. در واقع، روش روان‌شناختی در دین‌پژوهی، به بررسی خود دین نپرداخته؛ بلکه مشغول تحلیل و بررسی تأثیرات دین بر روان فردی و اجتماعی انسان است.^۱ از این رو، به طور مستقیم، نباید به عنوان روش دین‌پژوهی تلقی گردد. او معتقد است دین و دین‌داری، صورت و اشکال گوناگونی داشته و نمی‌توان مدعی شد که یک یا چند نمونه از این اشکال و صور، قطعاً مطابق با حقیقت است و بقیه دین‌داری، کاذب و متدین‌نمایی است؛ زیرا این انحاء، بر اساس نیازهای انسانی نسبت به دین صورت پذیرفته که خود، وابسته به عوامل گوناگونی است. روان‌شناسی دین، تنها یکی از سنخ این نیازها بوده^۲ و نمی‌تواند روشی عام برای بررسی دین باشد.

یکی دیگر از نکاتی که باید در گفتمان روش دین‌پژوهی مصطفی‌ملکیان، بدان توجه نمود این است که به جای واژه روش، باید از کلمه روش‌ها استفاده شود. ملکیان در مواجهه با پژوهش‌های دینی، از یک روش واحد استفاده نکرده؛ بلکه به دلیل اینکه هر روش حسن و هنر خود را دارد، از چند روش یا به بیان دیگر، از روشی ترکیبی استفاده نموده است. او معتقد است روش‌های مختلف، نسبت به یک‌دیگر، برتری ندارند و نمی‌توان گفت به طور نمونه، روش مقایسه‌ای بهتر از روش تاریخی یا پدیدارشناختی است؛ زیرا هیچ یک از روش‌ها، بی‌نیازکننده از دیگری نیست و بهترین مدل مواجهه با تحقیقات دینی، روش ترکیبی است.

یکی دیگر از دلایل استفاده ملکیان از روش ترکیبی این است که علاقه‌ای به محروم ماندن از برکات معنوی دینی ندارد. به همین دلیل نیز روش ملکیان، نه کاملاً روشنفکرانه و غربی است و نه کاملاً درون‌دینی و شرقی؛ زیرا او معتقد است حق و حقیقت، امری مکان‌مند نبوده و شرقی و غربی ندارد.^۳ از آنجا که حقیقت، زمان‌مند هر نیست، نو و کهنه نیز در آن مطرح نمی‌باشد. در واقع، حق و حقیقت دینی، گمشده انسان معاصر است و این انسان، موظف است هرگاه و هر جا که آن را یافت، چه نو باشد و چه کهنه، چه شرقی باشد و چه غربی، در آغوشش گرفته و عزیزش بدارد. در مقابل، اگر با امر باطلی مواجه شد، حتی اگر

۱. همان، 393.

۲. ملکیان، «گفت و گو دین و دین‌داری در جهان معاصر»، 9-10.

۳. ملکیان، درس گفتار مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در علوم انسانی، 12-13.

شرقی باشد، باید بتواند آن را طرد و نفی کند.¹ ملکیان به دنبال حق در دین بوده و روش ترکیبی او، متناسب با وضعیت مورد نیاز، تنظیم شده است؛ نه همچون غالب روشنفکران معاصر.

روش دین پژوهی مصطفی ملکیان

پس از روشن شدن نکات و مولفه‌های روشی در دین پژوهی ملکیان، با مطالعه پژوهش‌ها و تحقیقات دینی این شخصیت علمی، روش‌های ذیل، به عنوان روش ترکیبی، یافت می‌گردد:

روش عقلانی

اولین و مهم‌ترین عنصر در روش ترکیبی ملکیان، عقل‌گرایی یا بهره‌گیری از تعقل است. واژه عقل در هر نگرشی، مفهوم خاص خود را دارد و در آثار ملکیان نیز به نحو خاصی تعریف شده است. زمانی که عقل به عنوان یک روش قلمداد شد، معنای آن از منظر ملکیان، متناسب ساختن میزان پایبندی به یک عقیده با میزان قوت شواهد و قرائنی که آن عقیده را تأیید می‌کند، است. وی به این نوع از روش عقلانی در منابع خود، بسیار اهمیت می‌دهد؛ زیرا مطابقت نداشتن باورها با واقع و یا خطابودن عقاید، عامل اصلی درد و رنج انسان است.² از آنجا که نقطه عطف در دین پژوهی ملکیان، حل مسئله درد و رنج آدمی است، وی با روشی به دنبال شناخت دین است که بتواند در نتیجه آن با ایجاد تغییر در درون انسان، این درد و رنج را کاهش دهد؛³ زیرا دغدغه ملکیان از پژوهش در دین، انسان و نجات آن است. وی در بررسی مسائل دینی به دنبال امور انتزاعی همچون تمدن و فرهنگ نیست؛ بلکه هدف وی مواجهه حداکثری انسان با حقیقت، کاهش درد و رنج و تمایل بشر به نیکی و خیر است. ملکیان برای رسیدن به این اهداف، از روش عقلانی، در کنار روش‌های دیگر، بهره برده است.⁴

در واقع از منظر ملکیان، دین و معنویت موجود در آن، راهی برای خودسازی بوده و فرد دین‌دار را به سمت عدم رضایت از وضع موجود، سوق می‌دهد؛ زیرا خودسازی زمانی صورت می‌گیرد که فرد از وضع موجود، به وضعی بهتر، تغییر موقعیت دهد. در نتیجه، فرد دین‌دار، وضعیت مطلوبی را درون خود ترسیم می‌کند و برای رسیدن به آن، تلاش می‌نماید.⁵ از آنجا که هر انسانی دارای مبانی مختلف بوده و در وضعیت‌های گوناگون قرار دارد، روند مذکور، به یک امر شخصی تبدیل می‌گردد. خود فرد تشخیص می‌-

1. ملکیان، «گفت و گو دین و دین‌داری در جهان معاصر»، 14-15.

2. ملکیان، راهی به راهی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت، تهران، نگاه معاصر، 130 ش. ص 390.

3. همان، 375.

4. ملکیان، «معنویت، عقلانیت بعد از ده سال»، 18-26.

5. ملکیان، در رهگذار باد و نگیان لاله، 85/1.

دهد که چه راهی را ببیماید. همین تشخیص است که گزاره‌های دینی را برای وی قابل دفاع می‌کند.^۱ دفاعی عقلانی و به دور از پذیرش صرفاً تعبدی. ملکیان معتقد است تنها راه رسیدن به دینی که چنین روندی را رغم بزند، تدین عقلانی و دیانت متعقلانه‌ی^۲ همراه با نگرش انتقادی^۳ است.

بنابراین ملکیان معتقد است یکی از مهم‌ترین لوازم تقریر حقیقت و تقلیل مرارت، عقلانیتی است که از طریق آن بتوان به علت‌یابی و ریشه‌شناسی رنج‌ها نیز دست یافت.^۴ نکته‌ای که باید در اینجا بدان توجه شود این است که ملکیان، در جایی از روش عقلانی استفاده می‌کند که معنویت را نیز کنار آن داشته باشد؛ زیرا از منظر وی، استفاده از روش عقلانی بدون بهره‌گیری از معنویت، دین‌پژوه را دچار تناقض‌نمایی روشن-فکری دینی می‌کند.^۵ البته معنویتی که ملکیان از آن سخن می‌گوید، دارای نسبت تساوی با دین نبوده و ممکن است رابطه عام و خاص من وجه با آن داشته باشد یا به بیان دیگر، معنویت می‌تواند دینی باشد یا نباشد. وی معنویت مستقل از دین را در کنار روش عقلانی دین‌پژوهی قرار می‌دهد؛ زیرا نحوه معیشت سنتی، عمدتاً استدلال‌گریز یا استدلال‌ستیز بوده و طالب تسلیم و تقلید است. تفکر سنتی دینی یا معنوی، از منظر ملکیان، به دنبال سرکوب حس کنجکاوی و تعطیل سیر عقلانی در مواجهه با سخنان چون و چراناپذیر است. از این رو، وی در کنار روش عقلانی خود، یک نوع معنویت مستقل را مطرح نموده است که می‌تواند دینی باشد یا نباشد و تنها در مواردی می‌تواند با دین ارتباط یابد که با تعبدی مدلل به دلیل قاطع عقلی، مواجه شود.^۶

بنابراین از منظر ملکیان، اولین و مهم‌ترین روش در مواجهه با دین و تحقیقات پیرامون آن، استفاده از عقل و استدلال، همراه با معنویت مستقل است. معنویتی که الف بودن ب را به دلیل اینکه شخص خاصی آن را مطرح نموده، نمی‌پذیرد؛ بلکه تنها در صورتی آن را می‌پذیرد که برای الف بودن ب، استدلالی عقلی ارائه شود.^۷ از این رو، بایستی برای انجام هر عمل عبادی و اعتقادی، حد نصابی از عقلانیت و استدلال وجود داشته باشد^۸ و به تبع آن، پژوهش در این امور عبادی و اعتقادی دینی، باید با عقل صورت گیرد.

۱. ملکیان، دین، معنویت و روشن‌فکری دینی، ۳۳.

۲. ملکیان، در رهگذار یاد و نگهبان لاله، ۱۱۰/۱.

۳. همان، ۱۱۸-۱۲۱.

۴. ملکیان، مشتاقی و مهجوری، ۱۹-۲۵.

۵. ملکیان، «در جستجوی عقلانیت و معنویت»، مهرنامه، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۹ ش.

۶. ملکیان، مشتاقی و مهجوری، ۳۶۶.

۷. ملکیان، در رهگذار یاد و نگهبان لاله، ۱/۶۱-۶۲.

۸. ملکیان، راهی به رهایی، ۲۶۸.

روش کارکردی یا کاربردی

یکی از بارزترین عناصر روش ترکیبی مصطفی ملکیان، استفاده او از مقوله کارکرد است. در اینجا مراد کارکردگرایی خاصی که در علوم جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی به کار رفته، نبوده و معنای عام‌تری نسبت به آن دارد. اصلی‌ترین تفاوت نظریه کارکردگرایی با کارکرد از منظر ملکیان در این است که در کارکردگرایی نتیجه و کارکرد فعلی باید در جامعه خود را نمایان سازد؛ حال آنکه کارکرد از آن جهت که در بحث روش‌شناسی آمده است، در دیدگاه ملکیان، امری صرفاً اجتماعی نیست؛ بلکه گزاره‌های دینی می‌توانند کارکرد شخصی یا معنوی داشته باشند. کارکردگرایی به عنوان روش، انسان را مانند شیئی در اجتماع، همانند پدیده‌های طبیعی در نظر می‌گیرد و آنها را دارای وجود مستقل و قانون‌مند تلقی می‌کند.¹ حال آنکه تصور ملکیان از انسان صرفاً چنین نبوده و با نگرش کارکردگرایی متفاوت است. در هر صورت، امکان انطباق کامل نظریه کارکردگرایی با روش کارکردی ملکیان، وجود ندارد. در واقع، مراد از کارکرد در اینجا، اثر، نقش و تحولی است که دین در انسان یا جامعه ایفا می‌کند.² به بیان ملکیان، آنچه در مورد مواجهه با تحقیقات و پژوهش‌های دینی اهمیت دارد این است که آنچه می‌دانیم یا آنچه که قرار است بدانیم، با «چه کنم من»، چه نسبتی برقرار می‌کند. او معتقد است در مواجهه با دین، بیش از هر چیز باید بدانیم چه باید انجام دهیم؛ زیرا انسان دین‌دار «چه کنم» برایش اهمیت و محوریت دارد.³

بنابراین، هنگام بررسی و پژوهش در دین، ملکیان به دنبال کارکرد خاصی که خود او برای دین مطرح کرده است، کارکردی که تمرکز عمده آن بر «چه کنم» انسان معاصر است که میان سنت و مدرنیته به دام افتاده است. در واقع، دغدغه اولیه و اصلی ملکیان، تعارضات سنت و مدرنیته نبوده؛ بلکه هدف اصلی او، نجات انسانی است که میان این دو گرفتار شد. ملکیان در این خصوص ابراز می‌دارد که نه نگران سنت و تجدد بوده و نه نگران تمدن و فرهنگ یا هر امر انتزاعی دیگری از این قبیل نیست. دغدغه اصلی او، انسان‌های گوشت و خون‌داری است که می‌آیند، رنج می‌کشند و می‌روند.⁴ به همین دلیل نیز پژوهش‌های او با روش کارکردی و کاربردی صورت می‌گیرد.

ملکیان، در جای‌جای نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود به این روش، تأکید ورزیده است. از منظر او، آنچه در دین‌پژوهی اهمیت دارد، روحیه محقق بوده که همه‌ی هم و غم او در مطالعات دین‌پژوهانه باید این باشد که تا آنجا که مقدور است از دل میراث دینی بشر، اشارات و راهنمایی‌هایی برای «چه باید کرد؟»‌های

1. گولدتر، بحران جامعه‌شناسی غرب، 11، 17، 44.

2. قدردان قراملکی، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، 162.

3. ملکیان، در رهگذار باد و نگهبان لاله، 122/2-123.

4. ملکیان، مشتاقی و مهجوری، 419.

انسان امروزی کشف و استخراج نماید؛ نه اینکه این میراث دینی را چیزی تلقی کند که اگر هم زمانی فایده، اهمیت، ضرورت و سخنی برای گفتن داشته، امروزه، تاریخ مصرفش به سر آمده و تنها به عنوان پدیده‌ای تاریخی در خور مطالعه و تحقیق است. از منظر ملکیان، مهم‌ترین و خطرناک‌ترین سوالات بشر این نیست که «از کجا آمده‌ایم» یا «چرا آمده‌ایم» یا «به کجا می‌رویم»، «آیا خدایی هست یا نه»، «آیا انسان جاودانه است یا نه»، «آیا جهان هدفی دارد یا نه»؛ بلکه جدیدترین سوال بشر این است که چگونه زندگی کنیم، یا به تعبیر بهتر، چه باید کرد.¹ تمامی این سخنان ملکیان، نشان‌دهنده روش کارکردی یا کاربردی در مطالعات دینی است.

روش تحویلی

استفاده از روش تحویلی، از منظر برخی اندیشمندان، یک مرحله مقدماتی و اساسی در دین‌پژوهی آکادمیک بوده² و از منظر برخی دیگر، نوعی معضل در مطالعات دینی است.³ در واقع این روش، به معنای جذب یک حوزه از موضوعات در حوزه دیگر یا حذف آن به نفع حوزه دیگر است.⁴ روشی است که پدیدارها و مفاهیم را به یکی از زیرمجموعه‌ها یا اجزای آن‌ها تحلیل می‌برد.⁵ استفاده از این روش را در قسمت‌های گوناگون تحقیقات دینی ملکیان، می‌توان مشاهده نمود.

ملکیان، به اظهار خود، تنها به وضعیت کنونی و این جهانی انسان، توجه داشته که محور آن، درد و رنج بشر است. او در مواجهه با مطالعات دینی، گاهاً به دلیل دغدغه خاصی که در قسمت‌های قبلی نیز بدان اشاره شد، به دنبال راه‌حلی برای رفع رنج انسان بوده و مسائل دینی را به این موضوع، تحویل می‌برد.⁶ برای این روش تحویلی، او چنین استدلال می‌نماید که درد و رنج، به طور قطعی و حقیقی، در علم دیگری پاسخ داده نمی‌شود و تنها راه پاسخ‌گویی به این رنج نازدودنی، دین متعلقانه‌ای است که از استدلال صحیح، تبعیت می‌کند.⁷ در واقع، ملکیان، در مطالعات دینی خود، مسیر خود را به برخی امور همچون حل درد و رنج انسان، تحویل برده است.

به طور نمونه، ملکیان معتقد است دین به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی است که در پدیده دیگران بدان‌ها

1. ملکیان، «گفت و گو دین و دین‌داری در جهان معاصر»، 14-15.

2. هیک، بعد پنجم، کاوشی در قلمرو روحانی، 1.

3. Horison, "The Pragmatics of Defining Religion in a Multi-Culture World", 1.

4. Kim, "Reductionism Problems", 254.

5. Polkinghorne, "Reductionism", *Online International Encyclopedia of Religion and Science*, 2003.

6. ملکیان، راهی به راهی، جستاری در باب عقلانیت و معنویت، 362-365.

7. همان، 264.

پاسخ داده نشده و این پرسش‌ها حول محور درد و رنج آدمی است؛ درد و رنجی که از مفاهیم محوری مباحث وی است.¹ وی زمانی که از تصورات انسان مدرن در خصوص مسائل دینی سخن می‌گوید، بیان می‌دارد که این انسان زندگی پس از مرگی که در ادیان آمده است را نفی نمی‌کند؛ بلکه می‌گوید باید این جا آثار و نتایج راه‌های پیشنهادی ادیان و مذاهب برای حل و رفع مسائل و مشکلات، یعنی همان درد و رنج-های خود را ببینیم.² در واقع تمام مسائل مربوط به مسئله آخرت و قیامت، به رفع رنج آدمی در این جهان، تحویل می‌رود.

پیام دین، از منظر ملکیان، ابتدا به درون آدمی نفوذ می‌کند و او را دگرگون می‌نماید که این دگرگونی یا آرامش، دگرگونی بیرونی را به دنبال دارد. ملکیان، در مراجعه به دین، برای یافتن پیام‌های درونی که حلال مشکلات و معضلات بیرونی آدمی است، در واقع، از روش تحویلی استفاده می‌کند. مشکلات انسان، گاهی ناشی از ارتباط انسان با طبیعت بوده و گاهی نیز منشأ آن، ارتباط انسان با انسان‌های دیگر است. زمانی هم این مشکلات و معضلات، ناشی از ارتباط انسان با خودش است. سعادت انسان، در انتهای مسیر حل این مشکلات، قرار دارد که بزرگ‌ترین و دشوارترین اینها، معضلاتی است که انسان با خود دارد. تا زمانی که مشکل انسان، با خودش حل نشود، معضلاتی که با دیگر انسان‌ها یا طبیعت دارد نیز حل نخواهد شد. تا در درون انسان، یک سلسله دگرگونی‌ها ایجاد نشود، هیچ دگرگونی بیرونی قابل رخ دادن نیست. از منظر ملکیان، پیام مشترک ادیان، حل مهم‌ترین معضل بشریت، یعنی مشکلی که با خود دارد، است.³ در واقع این نیز دلیل دیگری برای استفاده ملکیان از روش تحویلی می‌باشد؛ زیرا او در مطالعات ادیان، دنبال همین نکته است و روش او تحویل‌بردن مباحث و مطالب دینی در یافتن راه‌حل برای مشکلات و رنج‌های انسانی است.

روش فرایندی

یکی دیگر از روش‌هایی که در اکثر منابع و نوشته‌های ملکیان، قابل مشاهده است، این است که وی، در مواجهه با دین، به دنبال رسیدن به یک نقطه نهایی نیست. بدین معنا که قصد ندارد بگوید قطعاً جواب این سوال دینی، الف یا ب است؛ بلکه با استفاده از روش فرایندی و تبعیت از روندی خاص، به دنبال نحوه شکل‌گیری یک پاسخ برای سوالی دینی است. بیش از آنکه پیگیر نتیجه نهایی یک بحث باشد، به دنبال مسیر تکامل مسائل است.

1. همان، 264.

2. ملکیان، در رهگذار یاد و نگهبان لاله، / 236.

3. ملکیان، «شالوده‌شکنی انفسی ادرباره نواندیشی دینی و سنت»، 48.

این روش فرایندی، در جای جای منابع ملکیان، قابل مشاهده است. او هنگامی که می‌خواهد از خداشناسی سخن بگوید، بیش از آنکه نظر نهایی خود در مورد ریز مسائل را مطرح کند، سیر مطالعات و پژوهش‌های خداشناسی را مطرح می‌کند. در واقع، فرایندی که از یک نقطه شروع شده و تا به امروز ادامه داشته را بررسی کرده و از این طریق می‌تواند آینده‌نگری پژوهشی داشته باشد. او اقوال مختلف در خداشناسی را بیان داشته و نقاط ضعف و قدرت آنها را ذکر می‌کند. در عین حال عناصر تاریخی موثر در روند شکل‌گیری یک مسئله را موشکافی می‌نماید.^۱ به بیان دیگر، از طریق روند تاریخی یک پدیده، نحوه تکامل مسئله را یافته و به جای بیان نتیجه نهایی، بر مدل پیشرفت یک مسئله تأکید می‌نماید و تلاش می‌کند مسئله‌ای از مسائل دینی را با آن روند تطبیق دهد.

این روش را نه تنها در مسائل دینی شرقی، بلکه در مباحث دینی غربی نیز پیگیری می‌کند. هنگام سخن گفتن از مسئله آگزیستانسیالیسم، روند و فرایند مسئله را شرح می‌دهد. به جای اینکه نظر نهایی خود را در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش این مکتب بیان دارد، با خورد کردن مسائل آن، در مورد اجزاء، به صورت فرایندی، به تحلیل و بررسی می‌پردازد.^۲ به طور نمونه در مسائل دینی مربوط به زنان و حقوقی که به آنها داده می‌شود، از دو روش می‌توان استفاده نمود: یکی اینکه با روش فرآورده، هر آنچه را که پیامبر اسلام به عنوان آخرین حکم به جای گذاشته است به عنوان نتیجه نهایی در مسئله حق ارث یا حق دیه زن در نظر گرفته شود و یک حکم قطعی از آن صادر شود که مثلاً ارث زن نصف ارث مرد است. یا اینکه با روش فرآیندی، به لحاظ تاریخی نگاه شود به اینکه زن در ابتدای بعثت چه جایگاهی داشته و در انتهای آن به چه جایگاهی رسیده است. به طور نمونه در جامعه‌ای که در اوایل بعثت، زنان زنده به گور می‌شدند، در اواخر عمر پیامبر حق ارث دریافت کردند. بنابراین روش فرآیندی نتیجه می‌گیرد که حقوق زنان از حداقلی به حداکثری افزایش داشته و به جای حکم نهایی، این روند است که باید در استنتاج احکام دینی اجرا شود. یعنی همچنان حتی پس از پیامبر، حقوق زنان رو به افزایش باشد و در حالت ثابت باقی نماند. نتیجه استفاده از این روش، باز نهادن باب گفتمان دینی و بی‌نهایت کردن بستر دین‌پژوهی است.

همانطور که در قسمت‌های قبل نیز گذشت، مهم‌ترین دغدغه و به تبع آن روش ملکیان در دین‌شناسی، حل مشکلات، رنج‌ها و تعارضات انسانی و پاسخ با سوال «چه باید بکنم» است. با اینکه این مسئله برای وی در قله‌ی مسائل پژوهشی قرار دارد، با این حال، در این موضوع نیز با روش فرایندی پیش رفته و جوانب

۱. ملکیان، براهین اثبات خدا، سلسله جزوات درسگفتاری، جزوه شماره ۸، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۲، ۲۸-۳۳.

۲. ملکیان، آگزیستانسیالیسم، فلسفه عصیان و شورش، ۳-۸۹.

گونگون را بررسی نموده و از ارائه‌ی نظر نهایی، قطعی و همه‌پسند، گریزان بوده است.¹ در نتیجه، در اکثر مباحث خود از این روش، استفاده نموده است.

به طور نهایی می‌توان گفت ملکیان، از یک روش ترکیبی در دین‌شناسی و مواجهه با دین، استفاده می‌کند. روشی که مکمل یک‌دیگر بوده و با قرار گرفتن در کنار هم، مسیر پژوهش و تحقیق در دین را برای این شخص، هموار می‌نماید. روش ملکیان در دین‌پژوهی، روش «عقلانی کارکردی تحویلی فرایندی» است. وی به اقتضای هر مبحثی از مباحث دینی، این روش‌ها را در کنار یکدیگر استفاده می‌کند. بدین معنا که ترکیب این روش‌ها، آنها را به یک روش واحد تبدیل نمی‌کند؛ بلکه به روشی چندوجهی و چندبعدی تبدیل می‌نماید که در نهایت راه را برای شناخت دقیق‌تر دین هموار می‌کند.

تحلیل انتقادی روش دین‌پژوهی ملکیان

مصطفی ملکیان، شخصیتی علمی است که در تحقیقات و پژوهش‌های خود، همواره توجه ویژه‌ای به اقتضانات و شرایط عصری که در آن به نظریه پردازی مشغول است، داشته است. به تبع این اصل کلی، در دین‌شناسی و دین‌پژوهی نیز از این توجهات، غافل نشده است. روش ترکیبی او برای دین‌شناسی، روشی است که پس از سال‌ها مطالعه و آزمون و خطا، بدان دست یافته و امروزه از آن بهره می‌برد. در نگاه اولیه به این روش، مواردی غرب‌گرایانه دیده می‌شود؛ البته نه به معنای منفی آن؛ بلکه به معنای مثبت و استفاده از پیشرفت‌ها و دستاوردهای غربی. به طور نمونه، می‌توان به توجه حداکثری به عقل انسانی یا تفکیک معنویت از دین در نظریه وی اشاره نمود. دلیل این بهره‌گیری نیز التقاط کلان جوامع علمی با یک‌دیگر است. بدین معنا که همچون اعصاب گذشته، امکان تفکیک میان جوامع علمی وجود نداشته و نظریه‌های مختلف به طور خواسته یا ناخواسته با یکدیگر تلفیق می‌شوند. اینکه ملکیان به روش‌های نوین غربی نیز توجه داشته، نشان از آگاهی او نسبت به اقتضانات زمانه خود است. با این حال، این روش‌ها، مشکلات و تعارضاتی را نیز به دنبال دارند که لازم است بدان‌ها توجه شود.

کاهش بار معنوی دین

یکی از اساسی‌ترین بخش‌های دین، معنویت موجود در آن است. چه بسا همین عنصر دینی، عاملی برای گرایش به دین‌داری می‌باشد. معنویت، تا قبل از عصر روشن‌گری، مسئله‌ای پذیرفته شده و پیش‌فرض

1. ملکیان، مصطفی، معنای زندگی، 23-126.

بود که پس از گسترش عقلانیت و تفکیک معنویت از دین، دچار بحران شد. تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی، باعث شد انسان در سرای طبیعت، محصور شود؛ طبیعتی که راهی به طریقت نداشته و امکان شناخت مقتضیات اصیل بعد روحانی انسان را ندارد.¹ بنابراین، انسان معاصر، دچار بحران معنویت شد؛ به طوری که گاهی به معنویت‌های کاذب پناه برده و گاهی نیز کلاً آن را دست‌نیافتنی و منتفی قلمداد کرده است.

بنابراین یکی از نکاتی که هر دین‌پژوهی باید بدان توجه داشته باشد، جایگاه معنویت دینی در تحقیقاتی است که انجام می‌دهد. چه بسا مسئله معنویت دینی، موضوعی است که بیش از گذشته نیازمند تحقیق و توجه می‌باشد. نکته‌ای که از تحلیل روش ترکیبی ملکیان به دست می‌آید این است که وی، کمتر به مسئله معنویت دینی توجه داشته است. علی‌رغم اینکه ملکیان، پایه‌گذار پروژه عقلانیت و معنویت است، به دلیل تعریف خاصی که از معنویت ارائه می‌دهد، می‌توان دید که باز معنویت مد نظر دین، محقق نگشته است.

منظور ملکیان از معنویت، همان اعتقاد مبتنی بر استدلال است.² به بیان دقیق‌تر، دین شخصی‌شده، همان معنویت است. یعنی همه آنچه از جهان‌نگری، انسان‌شناسی و دستورالعمل‌های مبتنی بر آن که در دین هست، انسان معنوی نیز دارای آن است. از این رو، معنویت از منظر ملکیان، نباید در حد احساسات و عواطف شخصی و لو متعالی، فروکاسته شود.³ در واقع معنویت، همان مواجهه با جهان هستی است که در آن شخص روی هم‌رفته با رضایت باطن زندگی کند.⁴

حال آنکه معنویت در نگاه دین، مجموعه جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان که دارای جنبه غیرمادی و مربوط به باطن انسان است، هستند.⁵ معنویت، همان معنایی است که به وسیله قلب شناخته شده و زبان را در آن بهره‌ای نیست.⁶ یکی از انتقاداتی که به روش ترکیبی ملکیان صورت می‌گیرد این است که استفاده‌کننده این روش، در نهایت، برای دین، معنویت را تبیین نمی‌کند. علی‌رغم اینکه ملکیان تلاش داشته مسئله معنویت را در نظر گیرد؛ اما نتیجه عملی چنین روشی در دین‌پژوهی این است که معنویت و یا بعد غیرمادی دین، نادیده گرفته می‌شود. در این صورت، دین به مسئله‌ای مادی و تجربی

1 فرشباف زیرک‌کار و سروریان، «نقد و بررسی رابطه دین و معنویت از دیدگاه ملکیان با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی»، 126.

2 ملکیان، «مولفه‌های انسان مدرن»، 15-18.

3 ملکیان، «عقلانیت»، 13-21.

4 ملکیان، «سازگاری معنویت و مدرنیته»، 276.

5. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، 7/7182.

6. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، 14/21191-21190.

تبدیل می‌گردد که حلال مشکلات غیرمادی انسانی نخواهد بود. حال آنکه خود ملکیان دین را به عنوان پدیده شفافبخش رنج‌های انسانی معرفی نموده بود که با روش کنونی، محقق نخواهد شد.

ناکارآمدی عنصر تحویل در روش ترکیبی

از دیگر مباحثی که نیازمند تحلیلی دقیق‌تر است، عنصر تحویل در روش ترکیبی ملکیان است. همانطور که بیان شد ملکیان دین را به پاسخ سوال «چه کنم» انسان، تحویل برده است. روش او در مواجهه با دین و شناخت آن، یافتن پاسخ به این سوال است و کمتر به سایر مباحث دینی می‌پردازد. تنها آن قسمت از دین حق شناخته شدن دارد که در آن پاسخی برای سوال بنیادین انسان یافت شود و سایر قسمت‌های آن، نیازمند بررسی جدی نیستند. البته دلیل آن می‌تواند دشواری‌های شناخت از یک‌سو و محدودیت‌های شناختی انسان از سوی دیگر باشد. این دشواری و محدودیت‌ها زمانی که به موضوعاتی پیچیده نظیر دین می‌رسند، فزونی می‌گیرند. دین، علاوه بر اینکه دارای پیچیدگی، پنهانی و تنوع بسیاری است، عامل دیگری تحت عنوان سوگیری نیز در آن دخیل است که مطالعات دینی را دشوارتر می‌سازد¹ و دین‌پژوهان را به سمت روش‌هایی همچون تحویل، سوق می‌دهد.

اینکه با روش تحویلی، در مطالعات دینی، به دنبال پاسخ به سوال «چه باید بکنم» انسان باشد، قطعاً امری مهم و ستودنی است؛ اما آیا شخص دین‌دار نیز به همین اکتفا می‌کند یا به دنبال معرفت‌هایی والاتر از پاسخ این سوال در دین است؟ قطعاً قدرت یافتن انسان در مواجهه با رنج‌ها و شکست‌های زندگی، بسیار اهمیت دارد؛ اما باید بدین نکته نیز توجه شود که انسان دین‌دار تنها به دنبال این نیست؛ بلکه معارفی فراتر از این را از دین مطالبه می‌کند. تنها یکی از مطالبات انسان از دین، قدرت‌بخشی به او در مقابل رنج و دردها است؛ اما موارد دیگری نیز وجود دارد که انسان دین‌دار در دین به دنبال آنهاست.

به دیگر بیان، انسان انتظاراتی از دین دارد که این انتظارات می‌توانند اصلی یا فرعی باشند. انتظارات اصلی یک دین‌دار از دین، در محور اعتقادات بوده و به دنبال شناخت و فهم حقیقت خود، مبدأ آفرینش، اسماء، صفات، اوصاف جلال و جمال حق و کیفیت رابطه انسان با خدا می‌باشد. در کنار این انتظارات، یک سری انتظارات فرعی نیز وجود دارد، انتظاراتی از قبیل تأمین اقتصاد جامعه انسانی، مسائل اخلاقی و بهداشتی و مانند آن که یک دین‌دار در دین به دنبال آن است.² بنابراین تنها سوال یک دین‌دار «اکنون چه باید بکنم؟» نیست؛ بلکه سوالات دیگری نیز دارد که انتظار آن می‌رود دین، بدان‌ها پاسخ دهد. در واقع می‌توان

1. شجاعی‌زند، «تحویل‌گرایی در مطالعات جامعه‌شناختی دین»، 85.

2. جوادی آملی، «انتظار بشر از دین»، 6.

گفت، بر اساس نظریه انتظار حداکثری از دین چنین است و بر اساس دیدگاه حداقلی دین، می‌توان چنین سوالی را مطرح نمود که البته رویکرد انتظار حداقلی از دین، خود دارای اشکالات و انتقاداتی می‌باشد. همچنین در اینکه این سوال، از انتظارات اولیه‌ی انسان است یا ثانویه، خود جای تأمل دارد. بر اساس تعریفی که ملکیان از این سوال ارائه داده است، به نظر می‌رسد از سنخ انتظارات فرعی باشد. از این رو، روش تحویلی، در دین‌پژوهی، به نوعی ناکارآمدی یا کم‌کارآمدی دچار شده است.

تقلیل دین در روش کاربردی

یکی دیگر از عناصر روش ترکیبی ملکیان، نگرش کارکردی و کاربردی در مطالعات دینی بود. این روش، ممکن است به طور کوتاه‌مدت باعث گرایش به دین و دین‌داری و یا موفقیت‌های عملی در دین-شناسی گردد؛ اما به دلیل تغییر نیازهای مادی انسانی و کاربردهای آن، این روش، کارآمدی خود را از دست خواهد داد. از سوی دیگر ملاک در کاربرد و کارکرد چیزی، تنها زمانی روشن می‌گردد که قابل مشاهده و مادی باشد؛ در غیر این صورت، چطور ممکن است یک انسان مادی که مشغول نظریه‌پردازی است بداند که چیزی در سرای دیگر کاربردی بوده یا خیر. از این رو، عمدتاً نظریات مبتنی بر روش کاربردی یا کارکردی، ناظر به سرای مادی و انسان این جهانی می‌باشد. در نتیجه، روش کارکردی در مطالعات دینی، یک روش سکولار بوده و به جز کارکردهای مادی دین، به چیز دیگری توجه ندارد و منجر به تقلیل دین به کارکردهای دنیوی و نادیده گرفتن زمینه‌های ماورایی و تعالی‌بخش می‌گردد که دلیل آن نیز عمل‌زدگی موجود در این روش است.¹

انسان، به دنبال دینی است که تأمین‌کننده‌ی سرای دیگر او نیز باشد. اینکه پژوهشی در دین صورت گیرد که آرامش روحی و این جهانی برای انسان فراهم آورد، یک دین تقلیل یافته است که بعد اخروی و آن-جهانی را نادیده گرفته است. دین، روش خاصی در زندگی دنیایی می‌باشد که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می‌کند و هم در عین حال با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای متعال موافق است. چنین دینی باید قوانینی را در شریعت خود داشته باشد که پاسخ‌گوی نیازهای دین‌دار به قدر احتیاج نیز باشد.² از این رو، روش کاربردی و کارکردی ملکیان، منجر به تقلیل دین می‌شود و نتایج آن، همواره ناکافی خواهد بود.

نبود ملاک در روش فرایندی

1. عباسی، عبادی‌نیک، «ضوابط کارکردگرایی در نگاه به دین»، 131.

2. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، 2/ 130.

ملکیان، بیش از آنکه بر نتیجه نهایی یک گزاره‌ی دینی یا به بیان دیگر به فراورده‌ی یک موضوع، توجه داشته باشد، مشغول کشف فرایندهای دین و گزاره‌های آن است. اینکه یک مسئله چطور شکل گرفته، چگونه در طول تاریخ ادامه داشته و اکنون در کجای منظومه معرفتی انسان قرار دارد، مسیری است که ملکیان در مطالعات دینی، می‌پیماید. در واقع، نباید این مسئله را با روش تاریخی خلط نمود. روش تاریخی، تنها تاریخ و سیر یک نظریه را بررسی می‌کند؛ حال آنکه روش فرایندی، به دنبال کشف فرایند یک نظریه برای تطبیق آن فرایند در عصر کنونی است. به طور نمونه، اگر در عصر جاهلی، حقوق زنان یک در صد بوده و پیامبر آن را به بیست در صد رسانده است، ملکیان طرفدار باقی ماندن بر حقوق بیست در صدی نیست؛ بلکه به دنبال افزایش حقوق زن است، همانطور که پیامبر این کار را کرده بود. در واقع او به دنبال نتیجه نهایی که افزایش ده درصدی حقوق بود، نیست؛ بلکه به دنبال فرایند افزایش و تبعیت از آن است و با این روش، با دین مواجه می‌شود.

نکته‌ای که باید در این روش بدان توجه شود این است که ملاک، معیار و چهارچوبی قطعی در تطبیق فرایندها بر گزاره‌های دینی وجود ندارد. به طور نمونه پیامبر به دلیل اتصال به وحی، می‌دانست که فرایند پیشرفت حقوق زن را تا به کجا پیش ببرد؛ اما انسان امروزی یا به بیان بهتر، دین‌شناس معاصر، بر اساس چه معیاری، فرایندها را بر گزاره‌های دینی، تطبیق می‌دهد؟ روش فرایندی، روش مفیدی در به روز نمودن دین است؛ اما ملکیان برای استفاده‌ی صحیح از این روش، موظف است یک سری معیار یا ملاک‌هایی را برای این روش، ترسیم نماید.

نتیجه‌گیری

ملکیان، اندیشمندی است که کاملاً بر دغدغه‌های انسان معاصر و غربی شده توجه داشته و مطالب خود را بر اساس نیازهای آن، ارائه می‌دهد. این امتیاز وی باعث گرایش تعدادی به دیدگاه‌ها و نظریات او گردیده و توجهات برخی از اندیشمندان دیگر را به وی جلب نموده است. اینکه مطالعه و مواجهه‌ای امروزی با دین دارد، قابل ستایش است؛ اما باید به معایب و آینده برخی نظرات نیز توجه شود.

ملکیان، هنگام مطالعه و پژوهش در دین، از یک روش ترکیبی که متشکل از چهار عنصر، یا به بیان دیگر، متشکل از چهار زیرروش است، بهره می‌برد. روش‌هایی که باعث پذیرش اقوال او از سوی دیگران می‌گردد؛ زیرا متناسب با نوع تفکر انسان مدرن، یا به بیان دقیق‌تر، غربی شده است. نقد تمامی این روش‌ها تا مرز رد کردن آنها، درست نیست؛ زیرا روش‌های مستفاد از سوی ملکیان، روش‌هایی هستند که نتیجه‌های مثبتی به دنبال داشته است؛ اما باید به پیامدهای منفی آنها نیز توجه داشت.

روش عقلانی، باعث توجه و تکیه بیش از اندازه بر عقل انسانی می‌شود؛ حال آنکه خود ملکیان نیز ناکارآمدی عقل را در برخی زمینه‌ها اعلام داشته است. این مسئله باعث دوری از معنویت می‌گردد که بخش عظیمی از انسان را تشکیل می‌دهد. یا روش کاربردی که تنها به بعد مادی انسان توجه دارد. روش تحویلی، یک روش زمان‌مند بوده و ممکن است در آینده، کاملاً کارآمدی خود را از دست بدهد. همچنین روش فرایندی نیز در صورت نداشتن ملاک، تبدیل به زمینه‌ای می‌گردد که انتهای نداشتن و همواره یک دین‌دار، در استفاده‌ی از این روش، سردرگم خواهد بود. در نتیجه، علی‌رغم اینکه این روش‌ها در نگاه ابتدایی کاملاً سازگار با عقل به نظر می‌رسند؛ اما معایبی را نیز به دنبال دارند که نیازمند اصلاح و تجدید تبیین است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عبدالله. دین‌پژوهی. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، 1387.
- انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن، 1386.
- پترسون، مایکل و جمعی دیگر. عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، 1390.
- جوادی آملی، عبدالله. «انتظار بشر از دین». تهیه و تنظیم محمدرضا مصطفی‌پور، پاسدار اسلام، شماره 233، ادريهشت 1388.
- جوادی آملی، عبدالله. دین‌شناسی. تهران: اسراء، 1390.
- خسرویناه، عبدالحسین و حسین مهدوی پارسا. «روش‌شناسی دین‌پژوهی». پژوهش و حوزه، ش 29 (بهار 1386): 135-170.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. تهران، دانشگاه تهران، ج 2، 1377.
- شجاعی‌زند، علی‌رضا. «تحویل‌گرایی در مطالعات جامعه‌شناختی دین». قبسات، سال 24، ش 91 (بهار 1398): 57-94.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417.
- عباسی، علی و علی‌اکبر عبادی‌نیک. «ضوابط کارکردگرایی در نگاه به دین». پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش 43 (بهار 1392): 129-146.
- فرشباف زیرک‌کار، وحیده و حمیدرضا سروریان. «نقد و بررسی رابطه دین و معنویت از دیدگاه ملکیان با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی». نشریه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ش 7 (بهار و تابستان 1397): 125 - 149.

کاشانی؛ تحلیل انتقادی روش شناسی دین پژوهی روشنفکران معاصر ایران (با تکیه بر مصطفی ملکیان) / 117

- قدردان قراملکی، محمدحسن. «کارکرد دین در انسان و جامعه». قیسات، ش 28 (تابستان 1382): 161-188.
- گولدز، آلون. بحران جامعه‌شناسی غرب. ترجمه فریده ممتاز، تهران: نشر علمی، 1383 ش.
- میریجی، شمس‌الله. «بازشناسی جریان‌های روشن‌فکری در ایران». علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم، ش 37 (بهار 1386): 45-70.
- ملکیان، مصطفی. در رهگذار باد و نگهبان لاله. تهران: موسسه نگاه معاصر، 1394.
- ملکیان، مصطفی. «معنویت، عقلانیت بعد از ده سال». سایت نیلوفر، 16 تیر، 1389 ش. 18-26.
- ملکیان، مصطفی. «عقلانیت». بازتاب اندیشه، شماره 30 و گلستان ایران، شماره 11، شهریور 1381.
- ملکیان، مصطفی. «اصلاح‌گری در دین به چه معناست؟». بازتاب اندیشه، ش 1-2 (فروردین و اردیبهشت 1379): 14-20.
- ملکیان، مصطفی. اگرستان‌سیالیسم، فلسفه عصیان و شورش. به کوشش سید محمدرضا غیاثی کرمانی، قم: نهضت، 1375.
- ملکیان، مصطفی. براهین اثبات خدا، سلسله جزوات درسگفتاری، جزوه شماره 8، موسسه امام صادق (ع)، 1372.
- ملکیان، مصطفی. «در جستجوی عقلانیت و معنویت»، مهرنامه، ش 3، خرداد 1389 ش.
- ملکیان، مصطفی. دین، معنویت و روشن‌فکری دینی. تهران: پایان، 1386.
- ملکیان، مصطفی. راهی به رهایی. تهران: موسسه نگاه معاصر، 1381.
- ملکیان، مصطفی. راهی به رهایی، جستاری در باب عقلانیت و معنویت. تهران: نگاه معاصر، 1380.
- ملکیان، مصطفی. «سازگاری معنویت و مدرنیته». بازتاب اندیشه، شماره 77، 1385.
- ملکیان، مصطفی. «شالوده‌شکنی انفسی/درباره نواندیشی دینی و سنت». خرنامه همشهری، ش 5 (مرداد 1385): 46-49.
- ملکیان، مصطفی و علی‌رضا شجاعی‌زند. «سنجه‌های دین و دین‌داری». فرهنگ و پژوهش، شماره 193، 1384.
- ملکیان، مصطفی. «گفت‌وگو دین و دین‌داری در جهان معاصر». هفت آسمان، ش 2 (تابستان 1378): 6-17.
- ملکیان، مصطفی. مشتاقی و مهجوری. تهران: نگاه معاصر، 1385.
- ملکیان، مصطفی. معنای زندگی. تهران: تربیت مدرس، 1382.
- ملکیان، مصطفی. «مولفه‌های انسان مدرن». بازتاب اندیشه، شماره 34، 1381.
- ملکیان، مصطفی. «نگاهی دوباره به دین‌پژوهی» هفت آسمان، شماره 41، 1388.
- هیک، جان. بعد پنجم، کاوشی در قلمرو روحانی. ترجمه بهزاد سالکی، تهران: انتشارات قصیده‌سرا، 1382.
- الیاده، میرچا. دین‌پژوهی. ترجمه بهاء‌الدین خرماهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1375.
- Armin W. Geertz. *Method and Theory in the Study of Religion Introduction, Religion and Society*, Brill,

2007.

Gregory D. Alles. *Religious Studies a Global View*. London and New York: Routledge Taylor and Francis Group, 2010.

Horrison, S. V. "The Pragmatics of Defining Religion in a Multi-Culture World". *International Journal for Philosophy of Religion*, Editor Eugene Thomas Long, Department of Philosophy, Columbia, USA, University of South Carolina, 2006.

Kathryn Lofton. "Religion History as Religion Studies". *Religion*, p 383-394, V 42, Issue 3, 2012.

Kim, J. "Reductionism Problems". *Encyclopedia of Philosophy*, Vol.8, General Editor Edward Craig, London, 1998.

Polkinghorne, J. C. "Reductionism". *Online International Encyclopedia of Religion and Science*, 2003.

Transliterated Bibliography

‘Abbāsī, ‘Alī va ‘Alī Akbar ‘Ibādīnik. " Żawābiṭ Kārkindgirāyī dar Nigāh bi Dīn". *Pazhūhishnāmāh-yi Hikmat va Falsafah-yi lalāmī*, no.43 (spring 2014/1392): 129-146.

Anvarī, Ḥasan. *Farhang Buzurg Sūkhan*. Tehran: Intishārāt-i Sūkhan, 2008/1386.

Dihkhudā, ‘Alī Akbar. *Lughat Nāmīh Dihkhudā*. Tehran: University of Tehran, 1999/1377.

Eliade, Mircea. *Dīnpazhūhī*. Translated by Bahā’ al-Dīn Khuramshāhī, Tehran: Pazhūhishgāh-i ‘Ulūm Insānī va Muṭālī‘āt Farhangī, 1997/1375.

Farshbāf Zīrakkār, Vaḥīdīh va Ḥamīd Ridā Surūriyān. "Naqd va Barrisi Rābiṭah-yi Dīn va Ma’naviyat az Dīdgāh-i Malikiyān bā Tikīyih bar Dīdgāh-i Shahīd Muṭaharī va Javādī Āmūlī". *Nashriyih Muṭālī‘āt Andīshih-yi Mu‘āshir Muslimīn*. No.7 (spring and summer 2019/1397): 125-149.

Gouldner, Alvin. *Buḥrān Jāmī‘ahshināsī Gharb*. Translated by Farīdīh Mumtāz, Tehran: Nashr ‘Ilmī, 2004/1383.

Hick, John. *Bu’d Panjum, Kāvushī dar Qalamrū Rūḥānī*. Translated by Bihzād Sālikī, Tehran: Intishārāt-i Qaṣīdihsarā, 2004/1382.

Ibrāhīmzādīh, ‘Abd Allāh. *Dīnpazhūhī*. Tehran: Sipāh Pāsdārān Inqilāb Islāmī, 2009/1387.

Javādī Āmūlī. ‘Abd Allāh. "Intizār Bashar az Dīn". *Tahiyih va Tanzīm Muḥammad Rizā Muṣṭafāpūr, Pāsdār*

Islām, no. 233, Urdibihisht 2010/1388.

Javadī Āmulī. 'Abd Allah. *Dīnshināsī*. Tehran: Asrā', 2012/1390.

Khusrūpanāh, 'Abd Ḥusayn va Ḥusayn Mahdāvī Pārsā. "Ravishshināsī Dīnpazhūhī". *Pazhūhish va Ḥawzah*, no. 29 (spring 2008/1386): 135-170.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Dar Rahguzar Bād va Nigāhbān Lālih*. Tehran: Mū'assisah-yi Nigāh Mu'āshir, 2016/1394.

Malikīyān, Muṣṭafā. " 'Aqlāniyat". *Bāztāb Andishih*. No. 30 va *Gulistān Irān*, no. 11 Shahrivar 2003/1381.

Malikīyān, Muṣṭafā. "Dar Justjūy 'Aqlāniyat va Ma'naviyat". *Mihrnāmāh*, no. 3, Khurdād 2011/1389.

Malikīyān, Muṣṭafā. "Iṣlāḡgarī dar Dīn bi Chih Ma'nāst?". *Bāztāb Andishih*. No. 1-2 (Farvardīn va Urdibihisht 2001/1379): 14-20.

Malikīyān, Muṣṭafā. "Mū'ālifih-hā-yi Insān Mudirn". *Bāztāb Anishih*. No. 34, 2003/1381.

Malikīyān, Muṣṭafā. "Nigāhī Dūbārih bi Dīnpazhūhī". *Haft Asimān*. no. 41, 2010/1388.

Malikīyān, Muṣṭafā. "Sāzigārī Manaviyat va Mudirmitih". *Bāztāb Anishih*, no. 77, 2007/1385.

Malikīyān, Muṣṭafā. "Shālūdih Shikanī Anfusī/ Darbārih Nū Andīshī Dīnī va Sunat". *Khiradnāmāh Hamshahrī*, no. 5 (2007/1385): 46-49.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Barāhin Isbāt Khudā*. Silsilih Juzavāt Dars Guftārī, Juzvih Shumārīh-yi 8, Mū'assisah Imām Ṣādiq(AS), 1953/1372.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Dīn, Ma'naviyat va Rūshan Fikrī Dīnī*. Tehran: Pāyān, 2008/1386.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Existentialism, Falsafāh-yi 'Usyān va Shūrish*. researched by Sayyid Muḥammad Riḏā Ghīyāsī Kirmānī, Qum: Nahzat, 1997/1375.

Malikīyān, Muṣṭafā. Güft va Gü Dīn va Dīndārī dar Jahān Mu'āshir". *Haft Asimān*, no. 2 (2000/1378): 6-17.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Manāy Zindigī*. Tehran: Tarbiyat Mudaris, 2004/1382.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Mushtāqī va Mahjūrī*. Tehran: Nigāh Mu'āshir, 2007/1385.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Rāhī bi Rahāyī, Justārī dar Bāb Aqlāniyat va Manaviyat*. Tehran: Nigāh Mu'āshir, 2002/1380.

Malikīyān, Muṣṭafā. *Rāhī bi Rahāyī*. Tehran: Mū'assisah-yi Nigāh Mu'āshir, 2003/1381.

Malikīyān, Muṣṭafā. Shuāizand, Ali Rizā. "Sanjih-hā-yi Dīn va Dīndārī". *Farhang va Pazhūhish*. No. 193, 2006/1384.

Marījī, Shams Allāh. "Bāzshināsī Jarayān-hā-yi Rūshan Fikrī dar Irān". *Ulūm Sīyāsī, Bāqir al-'Ulum University*, no. 37 (spring 2008/1386): 45-70.

Peterson, Michael et al. *'Aql va I'tiqād Dīnī*. Translated by Aḥmad Narāqī va Ibrāhīm Sulṭānī, Tehran: Ṭarḥ-i Naū, 2012/1390.

Qadrūdān Qarāmalikī, Muḥammad Ḥasan. "Kārkird Dīn dar Inasān va Jāmi'ah". *Qabasāt*, No. 28 (summer 2004/1382): 161-188.

Shujā'ī Zand, 'Alī Rizā. "Taḥvīlgirāyī dar Muṭālī'āt Jāmi'ahshinākhtī Dīn". *Qabasāt*. No. 91 (spring 2020/1398): 57-94.

Ṭabāṭabāyī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fī Tafsīr al-Qurān*. Qum: Daftar Intishārāt-i Islāmī, Jāmi'ah-yi Mudarrisīn Ḥawzah-yi 'Ilmiyah Qum. 1997/1417.

